

٢٢

سورة الاحقاف

- سقط جنین (آیات و روایات و احکام شرعی و قوانین مربوط به آن)
- حجت الاسلام حمیدرضا شریعت
- آماده سازی متن: واحد فنی و تحقیقات انتشارات مرسل
- چاپ اول / ۱۳۹۹ / ۵۰۰ نسخه
- شابک: ۶-۵۸۲-۹۷۲-۹۶۴-۹۷۸
- قیمت ۳۹۰۰۰ تومان
- حق چاپ محفوظ است و تکثیر کل یا بخشی از این کتاب مجاز نمی باشد.



ناشر برگزیده ۳ دوره
 دانشگاه بین المللی کتب تهران، ۸۹، ۹۷ و ۱۳۸۴
 ناشر شایسته تقدیر سال ۱۳۹۲

انتشارات مرسل
 مجموعه ای از بهترین ها
 Morsal Publications

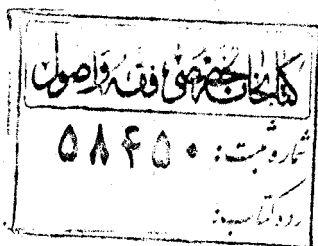
www.morsalpub.com

ارتباط با خوانندگان و خرید اینترنتی:

دفتر پخش: ۰۳۱-۵۵۴۵۴۵۱۳

همراه: ۰۹۱۳ ۱۶۱ ۳۵۴۶ تلفکس: ۰۳۱-۵۵۴۵۳۰۳۳

سامانه پیامکی: ۵۰۰۰۱۳۳۳۴۴ صندوق پستی: ۸۷۱۳۵/۱۳۳۵



نقطہ جنین

آیات و روایات و احکام شرعی و قوانین مربوط به آن

مجتہد الاسلام محمد رضا شریعت



انتشارات مرسل

سرشناسه: شریعت، حمیدرضا، ۱۳۵۰ -

عنوان و نام پدیدآور: سقط جنین: آیات و روایات و احکام شرعی و قوانین مربوط به آن /
حمیدرضا شریعت.

مشخصات نشر: کاشان: مرسل، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۷۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۲-۵۸۲-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: سقط جنین عمدی (فقه)

موضوع: سقط جنین عمدی - جنبه‌های مذهبی - اسلام

موضوع: سقط جنین عمدی - قوانین و مقررات - ایران

رده‌بندی کنگره: BP۱۹۸/۶

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۳۶

شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۱۱۷۳۳

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله تعالى: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا
قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»

«هر کس انسانی را جز برای قصاص نفس یا فسادی که در روی زمین
انجام داده، به قتل برساند، چنان است که گویی همه‌ی مردم را کشته است
و هر کس انسانی را حیات بخشد، گویی همه‌ی مردم را زنده کرده است.»^۱

امیرمؤمنان، علی (علیه السلام):

«خدایا! آنان را به خاطر جنینی که سقط کردند، لعنت کن.»^۲

۱. مانند / ۳۲.

۲. دعای صنی قریش.

تقديم به:

مضرت محسن

جنين سقطشدهى مضرت زهرا عليها السلام

فهرست مطالب

۹.....	به جای مقدمه.....
۱۳.....	فصل اول: آیات مربوط به سقط جنین.....
۲۳.....	فصل دوم: روایات مربوط به سقط جنین.....
۳۱.....	فصل سوم: احکام شرعی مرتبط به سقط جنین.....
۴۳.....	فصل چهارم: دیه سقط جنین.....
۴۷.....	فصل پنجم: قوانین سقط جنین.....
۵۵.....	فصل ششم: بررسی و جمع‌بندی.....
۵۸.....	خاتمه.....

به جای مقدمه

اگر از ما سؤال شود که آیا تا کنون انسانی را به عمد کشته‌ایم، بی‌درنگ جواب می‌دهیم خیر.

آیا واقعاً به این سؤال، جواب درست داده‌ایم؟ آیا ما در ریخته‌شدن خون انسانی شرکت نداشته‌ایم؟

اگر کمی بیشتر فکر کنیم، شاید دیگر به راحتی نتوانیم به این سؤال، جواب دهیم؛ چون هر روز و شب در گوشه و کنار این کشور، جنین‌هایی سقط می‌شوند و از حق زندگی و نفس کشیدن و رشد کردن محروم می‌گردند.

چه کسی این جنایت هولناک را در حق آنها مرتکب می‌شود و حق حیات را از آنها می‌گیرد و مظلوم‌ترین و بی‌دفاع‌ترین انسان‌ها را در پای هوس خود قربانی می‌کند؟

آری جواب، روشن است؛ پدر و مادر، کسانی که می‌باید آنها را در دامن پرمهر خود پرورش دهند و از خطرات حفظ نمایند، باعث نابودی جگر گوشه‌های خود می‌شوند و آنها را در کمال بی‌مهری و قساوت و سنگدلی به دست جلاّدان پزشک‌نما می‌سپارند تا تکه‌تکه‌شان نمایند و در حلقوم همیشه‌باز کیسه‌های زباله بریزند.

این گونه پدر و مادرها که متأسفانه کم نیز نیستند، چه جوابی برای روز قیامت مهیا کرده‌اند؟ روزی که در کنار پل صراط، جنین‌های سقط‌شده ایستاده و انتظار

پدر و مادر خود را می‌کشند تا از آنها بپرسند: «بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلْتُ؟»^۱ ای پدر! ای مادر! به چه گناه و جرمی مرا کشتید و از حق حیات، محروم کردید؟

در آن لحظه پدر و مادر جز شرمساری و گناه قتل عمد، جوابی ندارند و شعله‌های آتش در انتظار بی‌مهرترین و بی‌احساس‌ترین انسان‌ها لحظه‌شماری می‌کند تا سزای جنایتشان را که در حق بی‌دفاع‌ترین انسان‌ها مرتکب شده‌اند، بدهد؟

اما جلادان پزشک‌نما، افرادی که می‌باید حافظ جان انسان‌ها باشند؛ اما جان می‌گیرند؛ افرادی که باید اعضای تکه‌تکه‌شده‌ی انسان‌ها را به یکدیگر پیوند زنند؛ اما اعضا و بدن انسان زنده‌ای را تکه‌تکه می‌کنند، برای روز قیامت چه جوابی آماده کرده‌اند؟

روزی که نه مال، سود می‌دهد و نه فرزند: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ * اَلَا مَنْ اَتَىٰ اللّٰهَ بَقَلْبٍ سَلِيمٍ»^۲ با کدام قلب نزد خدا و پیامبر و ائمه‌ی معصومین حاضر خواهند شد؟ قلبی که با قساوت تمام، قلب جنینی را تکه‌تکه کرده است، با کدام دست نزد خدا حاضر خواهند شد؟ با دستی که تا مرفق به خون جنین‌های سقط‌شده آلوده است؟ با کدام پایي نزد خدا و پیامبر حاضر خواهند شد؟ پایي که برای قتل، قدم برداشته است؟

پدر! مادر! پزشک! دستیار! پرستار! داروساز! داروفروش! به خود آییم و برای چند روز دنیا که چون باد می‌گذرد، این همه خون نریزیم و این همه جنایت انجام ندهیم. بگذاریم دیگران نیز نفس بکشند. بگذاریم چشمان زیبای جنین‌ها به روی زیبایی‌های دنیا باز شود. بگذاریم صدای شادی کودکانی آنها هم به گوش دنیا

۱. تکویر / ۹.

۲. شعر / ۸۸ و ۸۹.

برسد. بگذاریم صدای نفس نفس زدن آنها را هنگام دویدن، فرشتگان بشنوند. بگذاریم صدای خنده‌ی کودکانه‌ی آنها فضای خانه را عطر آگین کند.

در حق بی‌دفاع‌ترین انسان‌ها ظلم نکنیم که این ظلم، نابخشودنی است؛ چون در افکار عمومی مردم جهان، جنایت در حق کودکان، نابخشودنی است و از آن بدتر جنایت در حق جنینی است که از کودک هم ضعیف‌تر و بی‌دفاع‌تر است.

هرگز شیطان اغواگر، شما را این گونه وسوسه نکند که جنین هنوز زنده نیست. بدانید از زمانی که لقاح، صورت می‌گیرد و نطفه به جایگاه مقرر خود منتقل می‌شود، حیات و جنبش و رشد آغاز می‌شود.

بیایید به این جنین زنده رحم کنیم تا خداوند به ما رحم نماید؛ که رسول خدا (ص) فرموده است: «مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يُرْحَم»^۱ یعنی «کسی که رحم نکند، مورد رحم قرار نمی‌گیرد».

چگونه می‌توانیم با قساوت تمام، جنایت انجام دهیم و بعد متوقع آمرزش و رحمت خداوند باشیم؟

اینک در این کتاب، ابتدا آیات و روایات مربوط به سقط جنین آورده می‌شود و بعد از آن نظر مراجع بزرگوار ذکر می‌گردد و در آخر، قوانین مربوط به سقط جنین خواهد آمد.

امید است مورد قبول حق واقع گردد و مورد استقبال و استفاده‌ی خواهران و برادران قرار گیرد.

۱. نهج الفصاحه، احادیث رحم، حدیث ۱۵.

فصل اول



آیات مربوط به سقط جنین

آیه ۱

وَكَذَٰلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَاءُهُمْ لِيُرْذَوْهُمْ وَ
لِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرَهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ^۱

ترجمه

«و معبودانشان این گونه برای بسیاری از مشرکان، کشتن فرزندانشان را جلوه دادند تا هلاکشان کنند و دینشان را بر آنان مشوش سازند و اگر خدا می‌خواست، چنین نمی‌کردند. پس ایشان را با دروغ‌هایی که می‌یافتند، رها کن.»

توضیح

- ۱- کشتن فرزندان از خصایص افراد مشرک و کافر است.
- ۲- کشتن فرزندانشان برایشان جلوه و زینت محسوب می شود. (مثل این زمان که کم فرزندی، جلوه و زینت محسوب می شود و برای همین خاطر، دست به سقط جنین می زنند).
- ۳- وسوسه ی کشتن فرزندان از جانب افراد و اشخاصی می شود که انسان به آنها اطمینان خاطر دارد و چون خدا آنها را می پرستد.
- ۴- کشتن فرزندان باعث نابودی انسان می شود.
- ۵- کشتن فرزندان باعث بی دینی و بی اعتقادی می گردد.

آیه ۲

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ^۱

ترجمه

«به یقین زیانکار شدند کسانی که فرزندان خود را از روی بی خردی و نادانی کشته اند و آنچه را که خدای، روزی آنها کرده بود، از روی افترا به خداوند، حرام کردند. حَقًّا که گمراه گشته اند و هرگز هدایت یافته نبودند.

توضیح

- ۱- کشتن فرزند، زیانکاری است.
- ۲- کشتن فرزند به واسطه‌ی بی‌خردی و سفیه‌بودن است.
- ۳- کشتن فرزند، نشانه‌ی جهل آدمی است.
- ۴- فرزند، روزی خدا به پدر و مادر است.
- ۵- پدر و مادر با کشتن فرزند خود، روزی خدا را بر خود حرام می‌کنند.
- ۶- کشتن فرزند، نشانه‌ی گمراهی و ضلالت است.
- ۷- به واسطه‌ی کشتن فرزند، انسان از هدایت دور می‌شود و هرگز به هدایت نمی‌رسد.

آیه ۳

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ أَمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَالِكُمْ وَصَّيْكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ^۱

ترجمه

«بگو بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده، برایتان بخوانم که چیزی را با او شریک نکنید و با پدر و مادر نیکی کنید و فرزندان خویش را از تنگدستی نکشید؛ که ما به شما و به آنها روزی می‌دهیم؛ و به کارهای زشت چه علنی و چه پوشیده نزدیک نشوید و هیچ انسانی را که خدا خونس را حرام کرده، جز به حق نکشید. این‌هاست که خداوند شما را بدان سفارش کرده است. باشد که بیندیشید.»

توضیح

- ۱- فرزندان خود را از ترس تنگدستی نکشید (وسوسه‌ی این که باید مخارجش را بدهم و بزرگ می‌شود و غیره).
- ۲- خدا به ما و فرزندانمان روزی می‌دهد؛ لذا نباید نگران آینده‌ی فرزند بود.

آیه ۴

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَهِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
لَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا^۱

ترجمه

«و هر که مؤمنی را عمداً بکشد، سزایش برای همیشه دوزخ است و خدا بر او خشم گیرد و لعنش کند و برای او عذابی بزرگ مهیا کرده است.»

توضیح

۱- هر کس مؤمنی را بکشد، در جهنم می‌رود (فرزند و جنین نیز مؤمن است؛ لذا بعد از چهار و نیم ماه اگر جنینی به عمد یا به سهو سقط شود، دیه‌ی انسان کامل دارد).

۲- هر کس انسانی را بکشد، همیشه در جهنم است.

۳- هر کس انسانی را بکشد، خداوند بر او غضب می‌نماید و او را لعنت می‌فرستد.

۴- هر کس انسانی را بکشد، عذاب بزرگی در انتظارش است.

آیه ۵

«و لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً أَمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطًا كَبِيرًا»^۱

ترجمه

«و فرزندان را از بیم تنگدستی نکشید. ما آنها و شما را روزی می‌دهیم. قطعاً کشتن آنها خطایی بزرگ است.»

توضیح

۱- فرزندان خود را از ترس تنگدستی نکشید که شامل سقط جنین نیز می‌شود.

۲- خداوند همه را روزی می‌دهد.

۳- کشتن فرزندان، گناهی بزرگ است.

آیه ۶

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بَبْهَتَانِ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ^۱

ترجمه

«ای پیامبر! چون زنان باایمان نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نیارند و دزدی و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند و

فرزندى نامشروع پيش دست و پاى خود نياورند كه به دروغ به (شوهران خود) ببندند و در كار نيك، نافرمانى تو نکنند، با آنها بيعت كن و برايشان از خدا آمرزش بخواه كه خداوند آمرزنده‌ى مهربان است.

توضیح

يکى از کارهاىى كه زنان انجام مى دهند، سقط جنين و كشتن فرزندان خود مى باشد كه در اين آيه از آن نهى شده است و يکى از شروط بيعت با رسول الله (ص) اين است كه فرزندان خود را نكشند.

آیه ۷

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُغْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ * وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ^۱

ترجمه

«و از مردم، كسى است كه گفتار او درباره‌ى پارسايى در زندگى دنيا مايه‌ى تعجب تو مى شود و خدا را گواه خود مى گيرد و حال آن كه او

لجوج‌ترین دشمنان است و چون به مقامی رسد، بکوشد تا در زمین فساد کند و کشت و نسل را تباه نماید؛ و خدا فساد را دوست ندارد.

توضیح

انسان‌هایی هستند که وقتی از دنیا صحبت می‌کنند، آن را بی‌ارزش و ناچیز نشان می‌دهند و در خصوص تقوا و پارسایی در زندگی صحبت می‌نمایند و خدا را گواه سخنان خود و حَتَّى ثَبِتَ خود می‌گیرند؛ اما زمانی که در دنیا به جایی رسیدند و قدرت یافتند (مثل این که بزرگ شدند و پدر و مادر شدند) در زمین فساد می‌کنند و کشت و زراعت و نسل انسان را تباه می‌سازند که می‌توان گفت نطفه و جنین نیز مشمول نسل انسان است؛ لذا تباه کردن جنین و نابود کردن آن فساد در روی زمین است و خداوند، فساد و مفسدان را دوست ندارد و این چنین انسان‌هایی مشمول عذاب الهی هستند؛ چون در آیهی بعدی به آنها وعدهی جهنم داده می‌شود.

آیه ۸

وَ إِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ * بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ،^۱

ترجمه

«و آن گاه که از دختر زنده به گور پرسیده شود که به کدامین گناه کشته شده است.»

توضیح

در تفسیر آیه مراد از «مَوْتُهُ» جنین های سقط شده نیز آمده است؛ یعنی جنین سقط شده چه گناهی انجام داده که مستحق مجازات مرگ شده است و با چه مجوزی او از حق حیاتی که خداوند به او داده است، محروم می شود؟

فصل دوم



روایات مربوط به سقط جنین

روایت ۱

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: «الْمَرْأَةُ تَخَافُ الْحَبْلَ فَتَشْرِبُ الدَّوَاءَ فَتَلْقَى مَا فِي بَطْنِهَا؟»

قال: «لا»

فَقُلْتُ: «أَتَمَا هُوَ نُطْقَةٌ»

فَقَالَ: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يُخْلَقُ نُطْقَةٌ»^۱

ترجمه

اسحاق بن عمار نقل کرده که از امام هفتم، امام موسی بن جعفر علیه السلام

سؤال کردم که «آیا زن حامله می‌تواند دارو بخورد تا بچه‌اش سقط شود؟»

۱. وسائل الشیعه، کتاب القصاص، باب ۷، حدیث ۱.

امام فرمود: «نه».

من گفتم: «آن حمل (بچه) نطفه است».

امام فرمود: «هر چیز که خلق می‌شود، ابتدایش نطفه است».

توضیح

سقط حتی قبل از چهار ماهگی جایز نیست.

سقط حتی به محض بسته شدن نطفه جایز نیست.

روایت ۲

عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ امْرَأَةٍ شَرَبَتْ دَوَاءً عَمْدًا وَهِيَ حَامِلٌ وَلَمْ يَعْلَمْ بِذَلِكَ زَوْجُهَا فَأَلْقَتْ وَلَدَهَا،

قَالَ: «إِنْ كَانَ لَهُ عَظْمٌ وَقَدْ نَبَتَ عَلَيْهِ اللَّحْمُ عَلَيْهَا دِيَةٌ تُسَلَّمُهَا إِلَى أَبِيهِ وَإِنْ كَانَ حِينَ طَرَحَتْهُ عُلْقَةً أَوْ مُضْغَةً فَإِنَّ عَلَيْهَا أَرْبَعِينَ دِينَارًا أَوْ غُرَّةً تُؤَدِّيها،

إِلَى أَبِيهِ: قُلْتُ لَهُ فَهِيَ لَا تَرْتُ وَلَدَهَا مِنْ دِيَّتِهِ مَعَ أَبِيهِ؟

قَالَ: لَا لِأَنَّمَا قَتَلْتَهُ فَلَا تَرْتُهُ.

ترجمه

«ابی عبیده می گوید: «سؤال کردم از امام محمد باقر علیه السلام درباره ی زنی که دارو عمداً مصرف نموده و بدون آگاهی شوهرش فرزندش را سقط نموده است.»

امام فرمود: «اگر جنین سقط شده دارای استخوان و گوشت است، باید دیه ی آن را به پدر بچه پردازد و اگر جنین سقط شده پاره ی خون یا گوشت بود، دیه ی آن چهل دینار یا غلام و کنیزی است که باید به پدر جنین پردازد.»

ابی عبیده می گوید: «پرسیدم آیا آن زن که بچه ی خود را سقط کرده است، از جنین سقط شده ارث نمی برد؟»
امام فرمود: «خیر، ارث نمی برد؛ زیرا او قاتل فرزند و جنینش است.»

توضیح

مادری که جنین یا فرزند خود را سقط می نماید، اولاً باید دیه ی آن را به پدر آن جنین در صورتی که پدر خبر ندارد، پردازد؛ ثانیاً خودش از دیه ارث نمی برد.

روایت ۳

عَنْ أَبِي بصير عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «إِنْ ضَرَبَ الرَّجُلُ امْرَأَةً حُبْلَى فَأَلْقَتْ مَا فِي بَطْنِهَا مَيْتًا فَإِنَّ عَلَيْهِ غُرَّةَ عَيْدٍ أَوْ أَمَةٍ يَدْفَعُهُ إِلَيْهَا»^۱

ترجمه

ابی بصیر روایت می نماید از امام جعفر صادق علیه السلام که امام فرمود: «اگر مردی زن حامله را بزند و سقط جنین شود، باید عبد یا کنیزی را به آن زن بدهد.»

توضیح

۱- اگر مردی زن حامله‌ی خود را بزند و آن زن، سقط کند، مرد باید دیه‌ی جنین را به زن بدهد.

۲- خود مرد اگر پدر آن جنین باشد از دیه چیزی نمی برد.

روایت ۴

عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «إِنْ رَجُلًا جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَقَدْ ضَرَبَ امْرَأَةً حُبْلَى فَاسْقَطَتْ سِقْطًا مَيْتًا فَأَتَى

۱. وسائل الشیعه، کتاب الدیات، باب ۲۰، حدیث ۵.

زَوْجُ الْمَرْأَةِ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَاسْتَعْدَى عَلَيْهِ فَقَالَ
الضَّارِبُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا أَكَلْتُ وَلَا شَرَبْتُ وَلَا اسْتَهْلْتُ وَلَا صَاحْتُ وَلَا اسْتَبَشْتُ.
فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّكَ رَجُلٌ سَجَاعَةٌ فَقَضَى فِيهِ
رَقَبَةً،^۱

ترجمه

سلیمان بن خالد از امام جعفر صادق علیه السلام روایت می‌نماید که امام فرمود:
«مردی خدمت رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم رسید در حالی که به
زن حامله‌ای زده بود و سقط جنین صورت گرفته بود. شوهر زن هم آمد
و بر علیه مرد، یاری خواست. آن مرد گفت: «یا رسول‌الله! آن بچه نه
چیزی خورده و نه چیزی آشامیده و نه گریه کرده و نه خندیده بود،
در این حال، پیامبر فرمود: «تو مردی هستی که با سجع سخن
می‌گویی.»

و سپس این طور قضاوت فرمود که باید بنده‌ای به عنوان دیه
پپردازد،

۱. وسائل الشیعه، کتاب‌الدیات، باب ۲۰، حدیث ۴.

توضیح

۱- دیه بر کسی است که به واسطه‌ی ضربه‌ای بچه‌ی جنین را سقط کرده باشد.

۲- در این روایت، دیه‌ی سقط جنین، یک بنده و غلام مشخص شده است.

روایت ۵

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «كَانَتْ فِي زَمَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام امْرَأَةٌ صِدْقٌ يُقَالُ لَهَا أُمُّ قَنَانٍ فَاتَاهَا رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ عَلِيٍّ عليه السلام فَسَلَّمَ عَلَيْهَا فَوَافَقَهَا مُهْتَمَّةٌ فَقَالَ لَهَا مَالِي أَرَاكَ مَهْتَمَةً؟»

قَالَتْ: «مَوْلَا لِي دَفَنْتَهَا فَنَبَذْتُهَا الْأَرْضُ مَرَّتَيْنِ».

قَالَ فَدَخَلْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَأَخْبَرْتُهُ فَقَالَ: «إِنَّ الْأَرْضَ لَتَقْبَلَ
الْيَهُودَى وَالنَّصْرَانَى فَمَالَهَا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تُعَذَّبُ بِعَذَابِ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ أَمَا إِنَّهُ لَوْ
أَخَذَتْ تُرْبَةٌ مِنْ قَبْرِ رَجُلٍ مُسْلِمٍ فَأَلْقَى عَلَى قَبْرِهَا لَقَرَّتْ».

قال: «فَاتَيْتُ أُمَّ قَتَانَ فَأَخْبَرْتُهَا فَأَخَذَتْ تُرْبَةً مِنْ قَبْرِ رَجُلٍ مُسْلِمٍ فَأَلْقَى عَلَى قَبْرِهَا فَفَرَّتْ فَسَأَلْتُ عَنْهَا مَا كَانَتْ؟»

فَقَالُوا: كَانَتْ شَدِيدَةُ الْحُبِّ لِلرِّجَالِ لَا تَزَالُ قَدْ وُلِدَتْ وَ أَلْقَتْ وَلَدَهَا فِي

التَّوْرَةُ^١

۱. وسائل الشیعه، کتاب القصاص، باب ۷، حدیث ۶.

ترجمه

از امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که در زمان حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام زنی راستگو به نام امّ قنان بود که یکی از اصحاب امیرالمؤمنان بر او وارد شد و سلام کرد و دید امّ قنان ناراحت است. آن مرد از او سؤال کرد: «چرا ناراحتی؟»

امّ قنان جواب داد: «خانم خانه از دنیا رفته و او را دفن کردیم؛ ولی زمین دو بار او را بیرون انداخته است.»

آن مرد می گوید: «بر امیر مؤمنان، علی علیه السلام وارد شدم و قضیه را به آن حضرت خبر دادم.»

امیر مؤمنان فرمود: «همانا زمین، بدن یهودی و نصرانی را قبول می کند و این جریان عذابی است از خداوند. پس فرمود مقداری از خاک قبر مسلمانی را بردارید و داخل قبرش بریزید تا زمین قرار گیرد.»

آن مرد می گوید: «به امّ قنان فرمایش امیر مؤمنان را خبر دادم و امّ قنان مقداری از خاک قبر مسلمانی را بر قبر آن زن پاشید و زمین آرام گرفت. پس من سؤال کردم که این زن چه می کرد؟ جواب دادند که با مردان رابطه داشت و هر زمان، طفلی متولد می شد او را در تنور می انداخت.»

توضیح

- ۱- سقط جنینی که از زنا هم باشد، جایز نیست.
- ۲- بچه‌ای که از زنا به وجود بیاید، کشتنش حرام و قتل نفس است.
- ۳- خداوند زنی را عذاب کرده و قبر، او را قبول نکرده؛ زیرا بچه‌هایی که از زنا به وجود می‌آمده را می‌کشته است. (می‌سوزانیده)
- ۴- سقط جنینی که از زنا هم باشد، جایز نیست؛ چه برسد به جنینی که از حلال باشد.

فصل سوم



احکام شرعی مربوط به سقط جنین

انتخاب ترتیب علما به حسب حروف الفباست.

فتوای محمدتقی بهجت پیرامون سقط جنین

«سقط جنین حرام است و دیه‌ی آن بر عهده‌ی سقط‌کننده است و در

موت جنین، کفّاره بر مباشر ثابت است.»^۱

توضیح

مباشر: کسی که عمل سقط جنین را انجام داده است. (دکتر یا پرستاری

که عمل سقط به وسیله‌ی او انجام شده است).

۱. مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید (مبحث سقط جنین).

فتوای میرزا جواد تبریزی پیرامون سقط جنین

«سقط جنین حرام است و دیه‌ی آن را مباشر در اسقاط باید به وراثت شرعی (پدر و مادر) که غیر از اسقاط کننده است، پیردازد و کفّاره‌ی قتل عمد را در صورتی که روح به او دمیده شده باشد، باید ادا کند.»^۱

توضیح

کفّاره‌ی قتل عمد عبارت است از ۶۰ روز روزه و ۶۰ فقیر را اطعام کردن و یک بنده آزاد کردن که باید هر سه را انجام دهد؛ اما اگر در جنین، روح دمیده نشده باشد، بین علما اختلاف است و سه قول موجود است:

۱- کفّاره ندارد.

۲- دو ماه روزه دارد.

۳- دو ماه روزه و اطعام ۶۰ فقیر دارد؛ لذا هر شخصی در این خصوص باید از مرجع خود استفتا نماید.

فتوای عبدالله جوادی آملی پیرامون سقط جنین

سؤال

احتراماً نظر شریف خود را در رابطه با جواز و عدم جواز سقط جنین در قبل و بعد از چهارماهگی در صورتی که تشخیص طبّی قطعی و یا احتمالی بیش از ۸۵ درصد این باشد که جنین غیر طبیعی بوده و با مشکلات متعدّد

جسمی و عقلی نظیر مونگول بودن و یا شدیدتر از آن متولد خواهد شد و یا قبل از تولد از بین خواهد رفت، اعلام فرماید. همچنین اگر مادر با تجویز پزشک معالج و رضایت شوهر با خوردن دارو موجبات سقط جنین را فراهم کرده باشد، تکلیف در رابطه با دیه و یا کفّاره چه می باشد؟

جواب

- ۱- اسقاط جنین جایز نیست؛ هر چند قبل از چهار ماه باشد.
- ۲- اسقاط جنین جایز نیست؛ هر چند غیر طبعی و دارای مشکل های یادشده باشد.
- ۳- مادر در صورت رضایت و اختیار مانند پدر، مسئول و باید دیه پرداخت نماید.^۱

فتوای سید علی حسینی خامنه‌ای پیرامون سقط جنین

سؤال ۱۲۶۲

پزشکان متخصص می توانند از طریق استفاده از روش ها و دستگاه های جدید، نواقص جنین در دوران بارداری را تشخیص دهند و با توجه به مشکلاتی که افراد ناقص الخلقه بعد از تولد در دوران زندگی با آن مواجه

۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر معظم له.

می شوند، آیا سقط جنینی که پزشک متخصص و مورد اطمینان، آن را ناقص الخلقه تشخیص داده، جایز است؟

جواب

سقط جنین در هر سنی به مجرد ناقص الخلقه بودن آن و یا مشکلاتی که در زندگی با آن مواجه می شود، جایز نمی شود.

سؤال ۱۲۷۰

آیا سقط جنینی که از زنا منعقد شده، جایز است؟

جواب

جایز نیست.^۱

فتوای سید علی حسینی سیستانی پیرامون سقط جنین

انداختن حمل پس از انعقاد نطفه جایز نیست؛ مگر آن که خوف آن باشد ادامه ی حمل به جان مادر زیان بزند؛ که در این صورت اگر روح در نطفه دمیده نشده باشد، جایز است؛ لیکن پس از دمیده شدن روح در نطفه، اسقاط جنین مطلقاً جایز نیست و اگر مادر، حمل خود را بیندازد، دیه ی آن که مقدار آن در کتاب دیات آمده است، بر مادر واجب است و باید آن را به پدر یا دیگر ورثه اش پردازد و اگر پدر، حمل را بیندازد، دیه اش بر او واجب

۱. توضیح المسائل مراجع، دفتر انتشارات اسلامی، ص ۹۴۵.

است و باید آن را به مادر پیردازد و اگر مباشر اسقاط، پزشک باشد، دیه بر او واجب است؛ مگر این که وارث ببخشد.^۱

فتوای سید موسی شبیری زنجانی

سؤال

سقط جنینی که از عمر آن تنها سه هفته گذشته است، چه حکمی دارد؟

جواب

سقط جنین در غیر فرض اضطرار، حرام و از گناهان بزرگ است؛ اگر چه زمان کمی هم گذشته باشد.

کسی هم که جنین را سقط کرده، باید دیه بدهد.^۲ (رجوع شود به فصل چهارم دیه‌ی سقط جنین)

فتوای لطف‌الله صافی گلپایگانی پیرامون سقط جنین

سؤال

بیان فرمایید به نظر مبارک در موارد زیر، سقط جنین جایز است؟

۱- اگر طبق تشخیص پزشک متخصص و مورد اطمینان، بقای جنین

موجب مرگ جنین و مادر (هر دو) بشود، ولی اگر جنین سقط شود، مادر

زنده می‌ماند.

۱. توضیح المسائل آیت‌الله سیستانی (احکام کنترل جمعیت).

۲. خبرگزاری رسمی حوزه، کد خبر: ۳۶۴۱۳۴.

۲- اگر ولوج روح نشده باشد و طبق تشخیص پزشک متخصص و مورد اطمینان، بقای حمل برای مادر، خطر جانی دارد یا مستلزم ضرر و درد غیر قابل تحمل باشد.

۳- اگر ولوج روح نشده باشد و زن حامله اطمینان دارد که بدون اسقاط حمل، مورد اذیت و آزار روحی یا جسمی غیر قابل تحمل قرار می گیرد و در عسر و حرج شدید واقع می شود.

جواب

در هیچ یک از موارد سؤال، اسقاط جنین جایز نیست.^۱

سقط جنین دیه دارد و دیه‌ی آن در حال نطفه بودن، بیست مثقال شرعی طلای سکه دار است که هر مثقال آن هجده نخود است و اگر علقه یعنی خون بسته باشد، چهل مثقال و اگر مضغه یعنی پاره‌ی گوشت باشد، شصت مثقال و اگر استخوان شده باشد، هشتاد مثقال و اگر گوشت آورده، ولی هنوز روح در او دمیده نشده باشد، صد مثقال و اگر روح دمیده شده، چنانچه پسر باشد، هزار مثقال و اگر دختر باشد، پانصد مثقال و دیه را در مورد سؤال اگر خود زن، قرص و دارویی که موجب سقط می شود، خورده باشد، باید

۱. رساله توضیح المسائل آیت الله سیستانی (احکام کنترل جمعیت).

زن بدهد و اگر دکتر مرتکب سقط شده، دیه بر ذمه‌ی دکتر است^۱ (رجوع شود به فصل چهارم دیه سقط جنین).

فتوای یوسف صانعی پیرامون سقط جنین

سؤال

اگر پزشک تشخیص قطعی دهد که ماندن جنین در رحم مادر موجب مرگ مادر می‌گردد:

- ۱- آیا از بین بردن جنین در رحم مادر جایز است تا مادر سالم بماند؟
- ۲- آیا می‌توان مادر را به همان حال باقی گذارد تا جنین سالم بماند و مادر بمیرد؟

- ۳- اگر در باقی گذاردن مادر به همان حال، احتمال مرگ مادر و جنین (هر دو) باشد، تکلیف چیست؟

جواب

جواب سؤال ۱ و ۲: اگر وجود جنین موجب مرگ مادر شود، مانند این که مرضی دارد که به مادر سرایت می‌کند و باعث قتل مادر می‌گردد، برای جلوگیری از مرگ مادر و به شرط انحصار طریق مادر می‌تواند جنین را حتی بعد از دمیده شدن روح، سقط نماید.

جواب سؤال ۳: اگر باقی گذاردن جنین در رحم مادر موجب مرگ مادر و جنین (هر دو) می شود، سقط جنین که باعث زنده ماندن مادر می گردد، جایز است و در این صورت، فرقی بین قبل از دمیده شدن روح و بعد از آن نیست.^۱

فتوای محمد فاضل لنکرانی پیرامون سقط جنین

سقط جنین، جایز نیست و کسی که مباشر سقط جنین است، باید دیهی آن را طبق سن جنین به ورثه‌ی آن طفل بدهد یا آنها را راضی کند.

فتوای ناصر مکارم شیرازی پیرامون سقط جنین

سقط جنین، حرام است و دیهی آن بر عهده کسی است که سبب سقط می شود؛ مثل این که مادر کاری بکند یا چیزی بخورد که بچه سقط شود یا دکتر آمبول ترریق کند یا کورتاژ نماید. دیه به حسب مراتب سن جنین فرق دارد.^۲

فتوای سید روح الله موسوی خمینی (امام خمینی) پیرامون سقط جنین

سؤال ۱۱۵۵۰

محترماً با توجه به این که در شرایط خاصی که ذیلاً به عرض می رسد، از

۱. احکام پزشکی، مسئله ۲۰۷.

۲. مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید (مبحث سقط جنین).

نظر پزشکی و درمانی می‌توان نسبت به سقط جنین اقدام نمود، خواهشمند است ارشاد فرمایید که انجام سقط درمانی در چنین شرایطی از نظر شرعی چه صورتی خواهد داشت.

۱- انجام سقط به منظور حفظ جان مادر در مواردی که ادامه‌ی حاملگی، سلامت و حیات مادر را به مخاطره خواهد انداخت.

۲- به منظور پیشگیری از تولد نوزادی که احتمالاً معلول و ناسالم به دنیا خواهد آمد.

۳- به منظور پیشگیری از تولد نوزادی که قطعاً معلول و ناسالم به دنیا خواهد آمد.

جواب

اگر جنین دارای روح شده، سقط جایز نیست؛ ولی پیش از دمیده شدن روح اگر جان مادر در خطر باشد، سقط مانع ندارد.^۱

فتاوی سید ابوالقاسم موسوی خوئی پیرامون سقط جنین

مسئله ۲۸۱۲

اگر انسان، کاری کند که زن حامله سقط کند و آن سقط آزاد و محکوم به اسلام باشد، چنانچه چیزی که سقط شده، نطفه باشد، دیه‌اش ۲۰ (بیست) مثقال شرعی طلای سگه‌دار است که هر مثقال آن ۱۸ (هجده) نخود می‌باشد

۱. کتاب دیات، سقط جنین و دیه‌ی آن، کتابخانه، پرتال امام خمینی (ره).

و اگر علقه یعنی خون بسته باشد، ۴۰ (چهل) مثقال و اگر مضغه یعنی پاره‌ی گوشت باشد، ۶۰ (شصت) مثقال و اگر استخوان شده باشد، ۸۰ (هشتاد) مثقال و اگر گوشت آورده، ولی هنوز روح در او دمیده نشده، ۱۰۰ (صد) مثقال و اگر روح در او دمیده شده، چنانچه پسر باشد، دیه‌ی او ۱۰۰۰ (هزار) مثقال و اگر دختر باشد، دیه‌ی او ۵۰۰ (پانصد) مثقال شرعی طلای سکه‌دار است و در جمیع این صور اگر عوض هر یک مثقال طلا، ده درهم نقره بدهد، کافی است (رجوع شود به فصل چهارم دیه‌ی سقط جنین).

مسئله ۲۸۱۳

اگر زن حامله کاری کند که بچه‌اش سقط شود، باید دیه‌ی آن را به تفصیلی که در مسئله‌ی پیش گفته شد، به وارث بچه بدهد و به خود زن، چیزی از آن نمی‌رسد.

مسئله ۲۸۱۴

اگر کسی زن حامله را بکشد، باید دیه‌ی زن و بچه را بدهد.^۱

فتوای حسین وحید خراسانی پیرامون سقط جنین

ساقط کردن جنین مطلقاً چه روح در آن دمیده شده باشد یا نه و چه جنین از حلال باشد یا از زنا، حرام است و دیه نیز دارد؛ ولی اگر روح در جنین

۱. توضیح المسائل آیت‌الله خوئی، احکام دیه.

دمیده نشده باشد و به تشخیص پزشک حاذق و موثق، زنده ماندن مادر متوقف بر سقط آن باشد یا این که بقاء آن در رحم، مستلزم نقص عضو یا درد غیر قابل تحمل برای مادر باشد و زنده نگاه داشتن در خارج رحم نیز میسر نباشد، اشکال ندارد.^۱

توضیح

نقص عضو در فتوا یعنی نقص عضو مادر؛ نه این که جنین نقص عضو داشته باشد.

حکم شرعی دست زدن به جنین سقط شده و زنی که سقط جنین کرده است.

سؤال ۱

حکم شرعی دست زدن به جنین سقط شده چیست؟

جواب

اگر چهار ماه او تمام شده و روح در بدنش دمیده شده، غسل مسّ میّت، واجب است (همه‌ی مراجع تقلید).

تکلیف: اگر کسی دستکش در دست داشته باشد، غسل مسّ میّت بر او واجب نمی‌شود.

۱. مسأله ۲۹۶۷ توضیح المسائل.

سؤال ۲

مادری که بچه‌اش مرده به دنیا می‌آید، آیا باید غسل مسّ میّت انجام دهد؟

جواب

اگر جنین چهار ماهش تمام شده باشد و با بدن مادر تماس پیدا کند، بر مادر، غسل مسّ میّت واجب است (همه‌ی مراجع تقلید).

نکته اول: طبق فتوای آیت‌الله سیستانی اگر بچه با بدن مادر تماس هم پیدا نکند، بنا بر احتیاط واجب بر مادر، غسل مسّ میّت واجب می‌شود.

نکته دوم: بهتر است برای بچه‌ی سقط‌شده‌ی کمتر از چهار ماه هم غسل مسّ میّت انجام شود (مشهور فقها).

سؤال ۳

زنی که بچه‌اش مرده به دنیا آمده یا سقط جنین کرده، چند غسل باید انجام دهد؟

جواب

دو غسل باید انجام دهد: الف) غسل نفاس، ب) غسل مسّ میّت.

نکته: وجوب غسل مسّ میّت برای زمانی است که جنین چهار ماهه باشد؛ گرچه بنا بر فتوای مشهور بهتر است برای جنین کمتر از چهار ماه هم غسل مسّ میّت انجام شود.

فصل چهارم



دیه سقط جنین

۱- اگر جنین، نطفه باشد: ۲۰ مثقال شرعی طلای سگه‌دار است. (۷۰ گرم

طلا)

۲- اگر جنین، علقه (خون بسته‌شده) باشد: ۴۰ مثقال (۱۴۰ گرم طلا)

۳- اگر جنین، نطفه (پاره‌ی گوشت) باشد: ۶۰ مثقال (۲۱۰ گرم طلا)

۴- اگر جنین، استخوان شده باشد: ۸۰ مثقال (۲۸۰ گرم طلا)

۵- اگر جنین، گوشت آورده، ولی هنوز روح در او دمیده نشده: ۱۰۰

مثقال (۳۵۰ گرم طلا)

۶- اگر روح دمیده شده، چنانچه پسر باشد: ۱۰۰۰ مثقال (۳۵۰۰ گرم طلا)

۷- اگر روح دمیده شده و دختر باشد: ۵۰۰ مثقال (۱۷۵۰ گرم طلا)^۱

۱. یک مثقال طلا بازاری ۲۴ نخود است.

دیه‌ی سقط جنین را چه کسی باید پرداخت نماید؟

هر کس مرتکب سقط جنین شده است، باید دیه را پرداخت نماید. مثلاً اگر خود زن (مادر) دارو خورده یا کاری کرده که باعث سقط جنین شده است، باید دیه را پرداخت نماید؛ یا اگر مثلاً پزشک با وسیله‌ای مرتکب این کار شده است، باید دیه را پرداخت نماید؛ یا مثلاً شوهر به زن ضربه زده یا دارو به حلق وی ریخته یا با هر وسیله‌ی دیگر باعث سقط شده است، باید دیه را پرداخت نماید؛ یا مثلاً زن با وسیله‌ی نقلیه تصادف نماید و موجب سقط جنین شود، راننده باید دیه را پرداخت نماید.

دیه‌ی سقط جنین را چه کسی باید دریافت نماید؟

دیه‌ی سقط جنین را وراثت جنین باید دریافت نمایند. مثلاً اگر زن با وسیله‌ی نقلیه‌ای تصادف کرده باشد، پدر و مادر جنین، حق دریافت دیه را دارند و چنانچه پزشک این کار را کرده باشد، باز هم پدر و مادر حق دریافت دیه را دارند و چنانچه خود مادر باعث سقط جنین شده باشد، فقط پدر، دیه را دریافت می‌کند و چنانچه پدر باعث سقط جنین شده باشد، مادر فقط دیه را دریافت می‌کند و ساقط‌کننده از دیه ارث نمی‌برد و

یک مثقال طلا بازاری ۴ گرم و ۶۰۸ درصد یک گرم است. (۴/۶۰۸)

یک مثقال طلا شرعی ۱۸ نخود است.

یک مثقال طلا شرعی ۳ گرم و ۴۵۶ درصد یک گرم است (۳/۴۵۶) که تقریباً ۳/۵ گرم می‌باشد و محاسبات بالا بر مبنای ۳/۵ گرم صورت گرفته است که نزدیک‌تر به احتیاط است.

چنانچه زنی با وسیله‌ی نقلیه تصادف نماید و بمیرد و پدر جنین نیز مرده باشد، اگر جنین، پدر بزرگ و مادر بزرگ و خواهر و برادر داشته باشد، آنها مستحق دریافت دیه هستند و چنانچه پدر بزرگ و مادر بزرگ و جد و جدّه و خواهر و برادر و فرزند خواهر و برادر ندارد، عمو و عمّه و دایی و خاله و اولاد آنان مستحق دریافت دیه هستند؛ طبق طبقات ارث و نحوه‌ی تقسیم بین آنها.

آیا گرفتن دیه‌ی سقط جنین واجب است؟

گرفتن دیه‌ی سقط جنین واجب نیست و می‌توانند کسانی که مستحق دریافت دیه‌ی سقط جنین هستند، آن را به ساقط کننده ببخشند و ساقط کننده در آن وقت، بری الذمه می‌شود.

آیا به جز دیه که ساقط کننده‌ی جنین باید بپردازد، کفّاره هم باید بدهد؟

کسی که سقط جنین را انجام داده است (مباشر) علاوه بر دیه اگر سقط بعد از دمیده شدن روح در جنین بوده است، کفّاره هم دارد (در صورت سقط عمدی) و آن عبارت است از یک بنده آزاد کردن و دو ماه روزه پشت سر هم و اطعام و غذادادن به شصت فقیر که می‌باید هر سه مورد را انجام دهد.^۱

۱. مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج ۱، ص ۱۹۳، مبحث سقط جنین.

فصل پنجم

قوانین سقط جنین

مواد قانونی از قانون مجازات اسلامی در خصوص دیه‌ی جنین عیناً نقل می‌شود:

ماده ۴۸۷- دیه‌ی سقط جنین به ترتیب زیر است:

۱- دیه‌ی نطفه که در رحم، مستقر شده: بیست دینار.

۲- دیه‌ی علقه که خون بسته است: چهل دینار.

۳- دیه‌ی مضغه که به صورت گوشت درآمده است: شصت دینار.

۴- دیه‌ی جنین در مرحله‌ای که به صورت استخوان درآمده و هنوز

گوشت نرویده است: هشتاد دینار.

۵- دیه‌ی جنین که گوشت و استخوان‌بندی آن تمام نشده و هنوز روح در

آن پیدا نشده: یکصد دینار.

تبصره: در مراحل فوق هیچ فرقی بین دختر و پسر نمی‌باشد.

۶- دیه‌ی جنین که روح در آن پیدا شده است، اگر پسر باشد، دیه‌ی کامل و اگر دختر باشد، نصف دیه‌ی کامل و اگر مشتبّه باشد، سه ربع دیه‌ی کامل خواهد بود. (رجوع شود به فصل چهارم دیه سقط جنین)

ماده ۴۸۸- هر گاه در اثر کشتن مادر، جنین بمیرد و یا سقط شود، دیه‌ی جنین در هر مرحله‌ای که باشد، باید بر دیه‌ی مادر افزوده شود.

ماده ۴۸۹- هر گاه زنی جنین خود را سقط کند، دیه‌ی آن را در هر مرحله‌ای که باشد، باید پردازد و خود از آن دیه سهمی نمی‌برد.

ماده ۴۹۰- هر گاه چند جنین در یک رحم باشد، به عدد هر یک از آنها دیه جداگانه خواهد بود.

ماده ۴۹۱- دیه‌ی اعضای جنین و جراحات آن به نسبت دیه‌ی همان جنین است.

ماده ۴۹۲- دیه‌ی سقط جنین در موارد عمد و شبه عمد بر عهده‌ی جانی است و در موارد خطای محض بر عاقله‌ی اوست؛ خواه روح پیدا کرده باشد و خواه نکرده باشد.

ماده ۴۹۳- اگر در اثر جنایت، چیزی از زن ساقط شود که منشأ انسان بودن آن طبق نظر پزشک متخصص ثابت نباشد، دیه و ارشی ندارد؛ لکن اگر در اثر آن صدمه‌ای بر مادر وارد شده باشد، بر حسب مورد، جانی محکوم به پرداخت دیه یا ارش خواهد بود.

مواد قانونی از قانون مجازات اسلامی در خصوص مجازات سقط جنین

ماده ۶۲۲ (۸۵۳) - هر کس عالماً عامداً به واسطه‌ی ضرب یا اذیت و آزار زن حامله موجب سقط جنین وی شود، علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص، حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۲۳ (۸۵۴) - هر کس به واسطه‌ی دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب سقط جنین زن گردد، به شش ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود و اگر عالماً عامداً زن حامله‌ای را دلالت به استعمال ادویه و یا وسایل دیگری نماید که جنین وی سقط گردد، به حبس از سه تا شش ماه محکوم خواهد شد؛ مگر این که ثابت شود این اقدام برای حفظ حیات مادر می‌باشد و در هر مورد، حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط داده خواهد شد.

ماده ۶۲۴ (۸۵۵) - اگر طبیب یا ماما یا داروفروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا داروفروشی اقدام می‌کنند، وسایل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند، به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط، صورت خواهد پذیرفت.^۱

۱. با توجه به قوانین موضوعه اشخاص ذی‌حق می‌توانند از دادگاه صالحه تقاضای دیه‌ی سقط جنین و مجازات مرتکب سقط جنین را بنمایند و دادگاه حسب موارد، مبادرت به صدور رأی خواهد نمود.

قانون سقط درمانی مصوب ۱۳۸۴/۳/۱۰

ماده واحده: سقط درمانی با تشخیص سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی، مبنی بر بیماری جنین که به علت عقب افتادگی یا ناقص الخلقه بودن موجب حرج مادر است و یا بیماری مادر که با تهدید جانی مادر توأم باشد، قبل از ولوج روح (چهار ماه) با رضایت زن، مجاز می باشد و مجازات و مسئولیتی متوجه پزشک مباشر نخواهد بود.

متخلفین از اجرای مفاد این قانون به مجازات های مقرر در قانون مجازات اسلامی، محکوم خواهند شد.

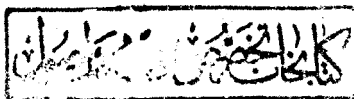
قانون فوق، مشتمل بر ماده واحده در جلسه ی علنی روز سه شنبه مورخ دوم خرداد یک هزار و سی صد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی، تصویب و در تاریخ ۱۳۸۴/۳/۲۵ به تأیید شورای نگهبان رسید.^۱

توضیحات قانون سقط درمانی

قانون سقط درمانی دارای شرایط و قیوداتی است که به شرح آن می پردازیم:

۱- جنین باید دارای عقب افتادگی باشد که این امر به تشخیص سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی است و منظور از عقب افتادگی، همان عقب افتادگی عرفی است.

۱. روزنامه رسمی شماره ۱۷۵۷۳ - ۱۳۸۴/۴/۸.



۲- جنین باید ناقص الخلقه باشد که این امر هم به تشخیص سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی است.

۳- در دو صورت فوق یعنی عقب افتادگی جنین یا ناقص الخلقه بودن باید موجب حرج مادر باشد؛ یعنی صرف عقب افتادگی یا ناقص الخلقه بودن، مجوزی برای سقط نیست و این دو امر باید همراه با حرج مادر باشد که حرج مادر احتیاج به اثبات دارد.

۴- مادر، مریض باشد و رشد جنین، تهدید جانی برای مادر باشد؛ که این دو امر نیز با تشخیص سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی است.

۵- مجوز سقط در تمام موارد چهارگانه بالا مشروط به این است که قبل از ولوج روح باشد؛ یعنی تا قبل از چهار ماهگی؛ لذا پس از چهار ماهگی به هیچ وجه جایز نیست؛ ولو این که ناقص الخلقه باشد یا برای جان مادر تهدید باشد.

۶- در صورت وجود و احراز شرایط مذکور، سقط جنین با رضایت زن، مجاز است. در این خصوص، قانون گذار تصریح به رضایت زن کرده است؛ لذا این گونه برداشت می شود که رضایت شخص دیگری مانند شوهر (پدر جنین) لازم نیست و این قسمت از ماده واحده سقط جنین، حقوق پدر و شوهر را نادیده انگاشته و دارای نقص است.

۷- بعد از احراز شرایط شش گانه مذکور اگر سقط توسط پزشک

انجام شود، مجازات و مسئولیتی متوجه پزشک مباشر (انجام دهنده) نخواهد بود؛ یعنی مجازات‌های قانون مجازات اسلامی شامل چنین پزشکی نخواهد بود.

و آیا پزشک از دادن دیه نیز مبرا هست یا خیر؟

در این خصوص، ماده واحده مسکوت است و شاید از قید «مسئولیتی متوجه پزشک مباشر نخواهد بود» بتوان چنین استفاده کرد که از دیه نیز مبرا است؛ ولی با توجه به این که اجازه‌ی شوهر (پدر جنین) در این ماده لحاظ نشده است، حق پدر جنین جهت مطالبه‌ی دیه محفوظ است و پزشک از این لحاظ فاقد مسئولیت نیست و تنها مجازات سقط جنین از چنین پزشکی برداشته شده است که ماده‌ی ۶۲۳ قانون مجازات اسلامی (۸۵۴ قانون جدید) مؤید این مطلب است. (در هر صورت، پزشک باید دیه را بپردازد؛ اگر چه با مجوز قانونی باشد).

نکته: از قانون سقط درمانی قسمت [قبل از ولوج روح (چهار ماه)] می‌توان در خصوص بند ج ماده ۷۱۶ قانون مجازات اسلامی (جدید) استفاده کرد؛ چون در آن جا ذکر شده است «دیه‌ی جنین که روح در آن پیدان شده است، اگر پسر باشد، دیه‌ی کامل و اگر دختر باشد، نصف دیه‌ی کامل و اگر مشتبّه باشد، سه ربع دیه‌ی کامل است.»؛ اما زمان پیدایش روح در آن قانون، ذکر نشده است که می‌توان از قانون سقط درمانی در خصوص تفسیر آن قانون استفاده کرد و زمان دمیده شدن روح را چهار ماه قرار داد.

آیا قانون سقط درمانی با موازین شرع، سازگار است؟

همان‌طور که ملاحظه فرمودید، قانون سقط درمانی دارای نکات مجهول و مبهمی است و جامع و مانع نیست و حقوق صاحبان حق، لحاظ نشده است. لذا با توجه به اشکالات حقوقی و شرعی که به ماده‌ی واحده‌ی سقط جنین وارد است، بر هر مکلفی لازم است در این خصوص از مرجع خود استفتاء و به نظر او عمل نماید.

فصل ششم

بررسی و جمع‌بندی

از بررسی آیات و روایات و فتوای علما و قوانین موضوعه به دست می‌آید که سقط جنین جایز نیست؛ بلکه حرام و غیر قانونی است و مرتکب حتی به مجازات هم می‌رسد؛ ولی مطلبی که مادران و پدران را در این زمینه وسوسه می‌نماید، یکی فقر و ترس از فقر است؛ در حالی که روزی‌دهنده خداست و در آیات گذشت که شیطان انسان را بدین وسیله وسوسه می‌نماید؛ و دیگری در خصوص جنین‌های ناقص‌الخلقه است که پدران و مادران می‌اندیشند که اگر آنها متولد شوند، در زندگی، زجر و مشقت خواهند کشید.

در این خصوص به این پدران و مادران باید گفت ما نمی‌توانیم در خصوص مرگ و زندگی دیگری تصمیم بگیریم؛ زیرا نمی‌دانیم؛ شاید آن

جنین ناقص الخلقه دوست دارد به دنیا بیاید و با آن حال، زندگی کند. ما نمی‌دانیم. شاید او خوشبخت‌تر از کسانی باشد که تنی سالم دارند. از این گذشته، آیا زندگی یک انسان ناقص الخلقه کمتر از زندگی یک حیوان و یک درخت است؟ حیوان هم حق زندگی و حیات دارد؛ همان‌طور که درخت و بذر، حق حیات و زندگی دارد.

پس این یک قضاوت کاملاً اشتباه است که در خصوص جنین ناقص الخلقه مرتکب می‌شویم. شاید پدران و مادران بگویند اگر جنین ناقص الخلقه باشد، ما باید زجر بکشیم و آنها را بزرگ کنیم و بعد به آنها دل ببندیم و بعد دیگر جدایی از آنها برایمان ممکن نباشد.

در جواب این پدران و مادران باید گفت آیا سزاوار است برای راحتی خودمان دیگران را قربانی کنیم؟ آیا این خودخواهی و راحت‌پرستی نیست؟ از این گذشته، پدران و مادران چنین فرزندانی می‌توانند بعد از به دنیا آمدن، آنها را به مراکز بهزیستی تحویل دهند. ما نمی‌دانیم. شاید نفع انسان‌های ناقص الخلقه برای جهان هستی از انسان‌های سالم الجسم، بیشتر و بهتر باشد. شاید آنها باید در این جهان هستی وظیفه‌ای را انجام دهند. دقیقاً مانند یک تکه از پازل ناقص که در خلق تصویر پازل، همان نقشی را دارد که یک پازل سالم و کامل دارد.

پس زود قضاوت نکنیم و خود را در محور قضاوت قرار ندهیم و برای

دیگران تصمیم نگیریم. حتی اگر آن دیگران یک جنین ناقص الخلقه باشد، بگذاریم جان هستی به سمت کمال خود حرکت نماید و هر جاننداری وظیفه‌ی خود را به انجام رساند؛ وظیفه‌ای که خداوند متعال از آن آگاه است. گاه حتی نفس کشیدن این انسان‌های ناقص الخلقه برای جهان هستی، ارمغان سلامتی و شادایی و زندگی به دنبال دارد؛ ولی ما از آن بی‌خبریم. باشد که در آینده باخبر شویم. ان شاء الله...

«وَالسَّلَامُ عَلٰی مَنْ تَبِعَ الْهُدٰی»

خاتمه



بهرتر دیدیم در خاتمه مبحث آدم کشی را عیناً از کتاب گناهان کبیره آیت الله سید عبدالحسین دستغیب (رحمة الله علیه) نقل کنیم که مناسب این مقام است.

آدم کشی

یکی از گناهان کبیره کشتن کسی است که خدا و پیغمبر ﷺ اذن در کشتنش نداده‌اند. دلیل بر کبیره بودن آن در روایاتی که از حضرت رسول ﷺ و حضرت امیر و حضرات صادق و کاظم و رضا و جواد علیهم السلام وارد شده، به کبیره بودن آن تصریح فرموده‌اند.

به علاوه از گناهانی است که خدای تعالی در قرآن مجید صریحاً بر آن وعده‌ی عذاب داده؛ از آن جمله می‌فرماید: «هر کس مؤمنی را از روی عمد و قصد بکشد، پاداشش دوزخ است؛ در حالی که در آن جاویدان می‌باشد و

خشم خدا بر اوست و او را از رحمت خود دور ساخته و عذاب بزرگی را برایش آماده ساخته است.^۱

در این آیه‌ی شریفه پنج تهدید بر قتل نفس فرموده و جزای آن قرار داده است: جهنم و خلود و همیشگی بودن در آن، غضب، لعنت، عذاب بزرگ، عذاب جاودانی و پره‌ی کفار است.

چون از مسلمات مذهب، اختصاص خلود به کفار است، یعنی اگر کسی باایمان از دنیا برود، همیشه در عذاب نخواهد بود؛ هر چند قتل نفس و سایر کبایر از او سر زده باشد؛ لذا در معنی آیه‌ی شریفه وجوهی ذکر شده است. یکی این که خلود در عذاب برای وقتی است که مؤمنی را به جهت ایمانش کشته باشد و شکی نیست که قاتل در این حال، کافر و اهل خلود است.

یا این که مؤمن را کشته در حالی که خونس را حلال دانسته و چون حرمت خون مؤمن از ضروریات دین است، پس در این حال، منکر ضروری دین شده و کافر است.

خون و مال مسلمان، محترم است.

در حجة‌الوداع رسول خدا (ص) فرمود: «ای مردم! ریختن خون مسلمان، حلال نیست و همچنین بردن مالش جایز نیست؛ مگر به رضایت خاطرش

پس بر خودتان ظلم نکنید و بعد از من به کفر بر مگردید.^۱
 وجه دیگر آن که این پنج تهدید که خلود، یکی از آنهاست، عذاب
 استحقاقی این گناه بزرگ است؛ هر چند اگر با ایمان از دنیا برود، تفضلاً او را
 مخلد در آتش نفرماید.
 وجه دیگر این که خلود در این آیهی شریفه مدت دراز و طولانی است؛
 نه ابدی و همیشگی.

انتحار هم قتل است.

در آیهی دیگر می فرماید: «خودتان را به ناحق نکشید. (چون همه‌ی
 مؤمنین از روی حقیقت در حکم نفس واحدند؛ این است که می فرماید
 نفس‌های خودتان را نکشید.) یا این که نفس خود را نکشید و خود را برای
 بتان قربانی نکنید. یا این که در هنگام غضب، خود را انتحار نکنید. به درستی
 که خداوند به شما اهل ایمان، مهربان است و کسی که از روی تعدی و
 تجاوز به غیر و ستم بر خود، قتل نفس نماید، زود باشد که او را در آتشی
 سخت در آوریم و این بر خدا سهل و آسان است.»^۲

۱. وسائل الشیعه، کتاب قصاص، باب ۱.

۲. نساء / آیه ۳۳.

کشتن همه‌ی مردمان

در جای دیگر می‌فرماید: «هر کس، دیگری را بکشد، بی‌آن که کسی را کشته باشد یا در زمین، فسادى کرده باشد (مانند قاطع طریق، یا زانى محصنه و نظیر آن از مواردی که کشتنش مانعی ندارد)، پس مانند این است که همه‌ی مردمان را کشته باشد.^۱

زیرا هتک حرمت خون‌ها را کرده است و طریقه‌ی سیئه وضع کرده و مردم را بر قتل نفس، جری نموده است و لذا عذابش با کشتن جمیع خلق، برابر است و اگر دو نفر را بکشد، آن مرتبه از عذابى که ذکر شد، مضاعف است.

زنده‌کردن همه‌ی مردمان

چنانچه هر گاه کسی سبب بقاء نفسى گردد (به عفو یا ترک قصاص یا جلوگیری از قتلش یا رهانیدنش از مهالک)، مانند این است که سبب زندگى همه‌ی مردمان شده باشد؛ یعنی همه را از مهالک، نجات داده و ثواب چنین کاری برای اوست و مستفاد از این آیه‌ی شریفه آن است که قتل نفس از اکبر کبایر و نزد پروردگار عالم، خیلی بزرگ و سخت است؛ چنان که حمایت از نفوس از بزرگ‌ترین عبادات است.

قاتل، مسلمان نمی‌میرد.

اخباری هم که دلالت بر کبیره بودن قتل نفس دارد، بسیار و برای نمونه به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

۱- از حضرت ابی عبدالله علیه السلام مروی است که فرمود: «کسی که مؤمنی را بکشد، هنگام مرگ به او گفته می‌شود به هر قسم که می‌خواهی، بمیر؛ یهودی یا نصرانی یا مجوسی.» (یعنی از اسلام بهره‌ای نداری).^۱

۲- و نیز فرمود: «همیشه مؤمن از دین خود در وسعت است؛ مادامی که خون حرامی را نریخته باشد.»

و فرموده: «کشنده‌ی مؤمن از روی عمد، موقوف به توبه نخواهد شد.»^۲

تمام شرکاء، قاتلند.

۳- و نیز از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده که فرمود: «به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض شد که یک نفر مسلمان کشته شده و جسدش در جهنم افتاده است.» حضرت حرکت فرمود و مردم هم خبر شدند و به اتفاق آن حضرت آمدند تا به آن کشته رسیدند.

حضرت فرمود: «قاتل او کیست؟»

عرض کردند: «یا رسول الله صلی الله علیه و آله ما نمی‌دانیم.»

۱. کافی.

۲. وسائل الشیعه، کتاب قصاص، ص ۶۶۲؛ کافی.

پس از روی تعجب فرمود: «کشته‌ای در بین مسلمانان افتاده باشد و قاتلش معلوم نباشد؟ قسم به آن خدایی که مرا به پیغمبری برگزید، اگر اهل آسمان‌ها و زمین در خون یک نفر مسلمان شرکت نمایند و به آن راضی باشند، هر آینه خداوند، همه‌ی آنها را عذاب خواهد فرمود و به آتش جهنم خواهد انداخت.»

شرکت در قتل هر چند کم باشد.

از این حدیث شریف استفاده می‌شود که فرقی در حرمت قتل نفس، بین قاتل و سایر شرکت کنندگان نیست؛ به هر نوع شرکته که باشد.

چنانچه از حضرت باقر علیه السلام است که: «در قیامت، شخصی می‌آید که با او مقدار خون حجامتی است. می‌گوید: «به خدا قسم! من کسی را نکشتم و شرکت در قتل کسی هم نکردم.» می‌گویند: بلی یاد نمودی بنده‌ی مؤمن ما را و آن یاد سبب کشته‌شدن او گردید. پس خون او به عهده‌ی تو هم هست.»^۱

و نیز از آن حضرت، مروی است «کسی که بر ضرر مؤمن کمک کند، هر چند به پاره‌ی کلمه‌ای باشد، روز قیامت وارد می‌شود؛ در حالی که روی پیشانی‌اش نوشته شده است: این شخص از رحمت الهی محروم است.»^۲

۱. کافی.

۲. کافی؛ وسائل الشیعه، کتاب قصاص، باب ۲.

و از حضرت رضا علیه السلام مروی است «اگر کسی در مشرق زمین کشته شده، پس به کشته شدن او دیگری که در مغرب زمین است، راضی شود، هر آینه شریک کشته شده است نزد خداوند عالم»^۱

کشتن محلم، عامر را...

در سال هشتم هجری، رسول خدا صلی الله علیه و آله ابوقتاده‌ی انصاری را با هشتصد نفر از لشکر اسلام به جانب اضم فرستاد. در راه، عامر بن اضبط به ایشان رسید و به طریق مسلمانان سلام کرد؛ یعنی اظهار اسلام نمود و مسلمین به همین مقدار، حکم به اسلام او نموده، متعرضش نشدند؛ ولی محلم بن جثامه به واسطه‌ی عداوتی که در جاهلیت با او داشت، این معنی را بر ترسش حمل کرده، به او حمله کرد و او را کشت و شتر و مالش را تصرف نمود. پس از این که خدمت حضرت آمد، آیه‌ی شریفه درباره‌اش نازل شد که «به آن کسی که به شما سلام کرده، اظهار مسلمانی می‌کند، نگویید مسلمان نیستی»^۲.

پس محلم خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و در برابر آن حضرت، زانو زد و التماس کرد که آن حضرت برایش طلب آمرزش کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله چون

۱. وسائل الشیعه، کتاب امر به معروف، باب ۵، ص ۴۹۱.

۲. نساء / آیه ۹۶.

از شنیدن معامله‌اش با عامر و کشتش بدون جرم سخت غمناک بود، فرمود:
«خدا تو را نیامرزد!»

محلّم، گریان از خدمت پیغمبر ﷺ بیرون آمد و اشک چشم خویش را به
عبا پاک می‌کرد و تأسّف می‌خورد و بعد از هفت روز از دنیا رفت.

زمین، قاتل را نپذیرفت.

چون او را دفن کردند، زمین او را بیرون انداخت. خدمت رسول خدا ﷺ
عرض کردند که زمین، محلّم را نمی‌پذیرد.

فرمود: «به درستی که زمین، آنهایی را که از محلّم بدتر بودند، پذیرفت؛
ولکن خداوند می‌خواهد شما را موعظه فرموده، به احترام بنده‌ی مؤمن آشنا
سازد.»

و به روایت دیگر فرمود: «به شما بزرگی گناه کشتن بنده‌ی مؤمن را
بفهماند.»^۱

خودکشی هم حرام است.

در قتل نفس که از گناهان کبیره بلکه از اشدّ کبایر است، فرقی بین
کشتن خود یا دیگری نیست. پس کسی که انتحار و به سببی از اسباب،
خودش را هلاک می‌سازد، تمام عقوبت‌هایی که بر قتل نفس، مترتب

۱. بحار الانوار.

می شود، برای او هم هست.

چنانچه در آیهی «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» در ضمن یکی از وجوه آن ذکر گردید و نیز عرض شد که کلمه‌ی «عُدْوَاناً» اشاره به کشتن غیر است و «ظُلماً» به خودکشی است.

خودکشی به هر وسیله که باشد، حرام است.

و نیز فرقی در اقسام خودکشی نیست؛ به این که با حربه‌ای خود را مقتول سازد و یا سم بخورد یا خود را از بلندی، پرتاب کند یا ترک خوردن و آشامیدن کند تا بمیرد یا اگر مریض شد، مداوا نکند تا بمیرد یا مثلاً دیگری قصد کشتن او را دارد؛ با این که می داند و می تواند، در صدد دفاع برنیاید تا کشته شود.

مؤمن، خودکشی نمی کند.

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مروی است که فرمود: «مؤمن ممکن است به هر نوع مرگی بمیرد؛ اما خودکشی نمی کند. پس کسی که بتواند خون خود را حفظ کند و از قاتل خود جلوگیری نماید تا کشته شود، قاتل خود خواهد بود.»^۱

۱. وسائل الشیعه، کتاب قصاص، باب ۵.

حضرت باقر علیه السلام فرمود: «به درستی که مؤمن به هر بلایی مبتلا می شود و به هر قسم مردنی می میرد؛ مگر این که خود را نخواهد کشت.»^۱
و در صحیحی ای ولاد است که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «کسی که عمداً خود را بکشد، همیشه در آتش جهنم خواهد بود.»^۲

آدم کشی، کوچک و بزرگ ندارد.

فرقی در حرمت قتل نفس بین کشتن کوچک و بزرگ نیست و در این حکم، بزرگسالان و خردسالان یکسانند. چنانچه در قرآن مجید می فرماید: «و فرزندان خود را از ترس فقر و تنگدستی نکشید. ما به آنها و شما روزی می دهیم. به درستی که کشتن آنها خطای بزرگی است.»^۳
و در جای دیگر می فرماید: «بچه ای که زنده به گور و در خاک، کشته شده (چنانچه عادت بعضی از قبایل عرب پیش از اسلام بوده که دخترانشان را زنده به گور می کردند)، در روز قیامت پرسیده خواهد شد که به چه گناهی این طفل، کشته شده.»^۴

۱. کافی.

۲. وسائل.

۳. اسراء / آیه ۳۳.

۴. تکویر / آیه ۹ و ۱۰.

سقط جنین نیز حرام است.

حتی بچه‌ای که در رحم مادر باشد و کشته شود، در این حکم با دیگران مساوی است و دیه‌ی قتل او مانند بزرگسالان است؛ هر چند کشته، پدر یا مادر باشد. مثل این که مادر، دواپی بخورد یا کاری بکند که بچه بیندازد. در این صورت، تمام عقوبت‌های مزبور برای او خواهد بود و دیه‌ی قتل نفس یعنی هزار مثقال طلا باید پردازد. البته خودش به سبب جنایتی که مرتکب شده، از این پول، سهمی نمی‌برد و به سایر ورثه‌ی طفل می‌رسد.

از بین بردن نطفه هم حرام است.

از آنچه ذکر شد، دانسته می‌شود که در شرع مقدس اسلام، چه قدر درباره‌ی زندگی و حیات انسانی، ارزش و اهمیت قائل شده که درباره‌ی هیچ موضوعی این قدر سفارش فرموده و تأکید نکرده. حتی از بین بردن ماده‌ی تکوینی انسانی (نطفه) را پس از استقرار در رحم، حرام فرموده و برای آن دیه معین کرده؛ به این تفصیل که اگر نطفه باشد، ۶۰ (شصت) مثقال طلا و اگر استخوان‌بندی شده باشد، ۸۰ (هشتاد) مثقال و اگر جنین شده، یعنی گوشت آورده، ولی روح هنوز در او دیده نشده، ۱۰۰ (صد) مثقال و اگر روح در او دمیده شده باشد و پسر بوده، (۱۰۰۰) هزار و اگر دختر بوده، ۵۰۰ (پانصد) مثقال طلا بر کسی که سبب سقط گردیده؛ هر چند پدر یا مادر باشد، واجب می‌شود.

بچه از شکم مادر مرده باید بیرون آورده شود.

و در صورتی که زن آبستن بمیرد و بچه‌اش زنده باشد، واجب است فوری پهلوی او را شکافته، بچه را بیرون آورند و مسامحه کردن، حرام است و اگر به واسطه‌ی تأخیر در بیرون آوردن، بچه تلف شود، بر کسی که سبب تأخیر شده، دیه واجب است.^۱

توبه‌ی آدم‌کشی

اگر کسی عمداً قتل نفس نموده و بخواهد توبه کند، باید خود را تسلیم اولیاء مقتول نماید و آنها اختیار دارند که قصاص کنند؛ یا این که دیه بگیرند و عفو نمایند و هر گاه از قصاص صرف نظر نمودند، یعنی او را نکشتند، بر قاتل، سه چیز واجب می‌شود: آزاد کردن بنده، سیر کردن شصت نفر فقیر و

۱. با این که در شرع مقدس اسلام، سقط جنین و خودکشی، حرام و در حکم کشتن دیگران و بزرگسالان است، در اثر سرایت توحش جدید از اروپا و آمریکا رو به ازدیاد و افزایش است؛ خصوصاً در طبقه‌ی جوان به واسطه‌ی ضعف ایمان و نداشتن تکیه‌ی معنوی و فقد جنبه‌ی روحانی در اثر برخورد به محرومیت یا ناملایمی خودکشی می‌کنند.

برای جلوگیری از این عمل فجیع، یگانه راه علاج، تقویت جهات معنوی و روحانی و دینی جوانان است که آن هم باید توسط فرهنگ در دبستان‌ها و دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها انجام گیرد. متأسفانه از اموری که منشأ و سرچشمه‌ی این مفاسد است، جلوگیری نمی‌شود؛ مانند نشان دادن فیلم‌های جنایی و غیر اخلاقی در سینماها و تلویزیون‌ها و انتشار نغمه‌های شیطانی و مهیج از رادیوها و نشر مقالات و داستان‌ها و حوادث جنایی در مطبوعات و اگر به این رویه ادامه داده شود، شکی نیست که اجتماع ما رو به زوال می‌رود و عواقب وخیمه‌ای در پیش خواهد داشت. برای توضیح این مطلب و مطالب مهمه‌ی دیگر به کتاب «بلاهای اجتماعی» که به قلم چند نفر از فضلا نوشته شده، مراجعه شود.

روزه گرفتن شصت روز پی در پی؛ و اگر بنده یافت نگردد، دو تای دیگر ساقط نمی شود.

قتل غیر عمد

اگر قتل نفس خطایی باشد، پرداختن دیه به اولیای مقتول بر او واجب می گردد؛ مگر این که عفو ش کنند. به علاوه یکی از سه امر مزبور یعنی آزاد کردن بنده و اطعام و روزه به طور ترتیب به وجوب خود باقی است و تفصیل هر یک در کتب فقهی موجود است.

باید دانست چنان که قتل نفس محترمه از بزرگ ترین گناهان کبیره است، چنان که دانسته شد، همچنین جنایت نسبت به اطراف بدن یعنی قطع یکی از اعضاء رئیسه ی بدن مسلمان، همان گناه را دارد و هر یک از قتل نفس یا جنایت به اطراف از سه حال، بیرون نیست؛ یا عمدی است یا شبه عمد یا خطای محض.

«قتل عمدی» آن است که به قصد کشتن دیگری کاری انجام دهد و آن شخص به سبب آن کار، کشته شود یا این که قصد کشته شدن او را نداشت؛ لکن کاری که غالباً موجب قتل است، انجام دهد؛ مانند این که او را آن قدر بزنند و دست بر ندارد تا بمیرد یا خوراک به او ندهد تا جان دهد یا این که به قصد اذیت کردن، راه نفس او را بگیرد تا خفه شود.

«شبه عمد» آن است که قصد کشتن نداشته و کاری که غالباً کشنده است، انجام نداده؛ لکن اتفاقاً و تصادفاً به سبب کاری که از روی عمد انجام

داده، آن شخص، کشته شود؛ مانند این که با چیزی که غالباً موجب قتل نیست، کسی را به قصد تأدیب و تربیت بزند و مضروب بمیرد یا دواپی به کسی بخوراند و قصدش کشتن نباشد؛ ولی کشته شود.

«خطای محض» آن است که نه قصد قتل را داشته و نه قصد فعل آن را نموده؛ بلکه کاری را به قصد دیگری انجام داده؛ تصادفاً آن کار به دیگری رسیده و کشته شده؛ مانند این که تیری به طرف پرنده‌ای پرتاب کند و به انسانی بخورد و کشته شود و مانند شخصی که در حال خواب، کاری انجام دهد و دیگری از آن کار، کشته شود.

حکم قتل نفس

هر گاه قتل عمدی بوده، بر قاتل واجب است پس از توبه، خود را در اختیار ولی دم (صاحب خون) قرار دهد تا این که اگر خواست قصاص کند، او را بکشد و اگر از قصاص صرف نظر کرد، به شرط دادن دیه؛ و قاتل قبول کرد، دیه دادن بر او واجب می‌شود؛ و دیه‌ی کامله یکی از شش چیز است: صد شتر یا دویست گاو یا هزار گوسفند یا دویست حله یا هزار مثقال طلای سکه‌دار (هر مثقالی ۱۸ نخود) یا ده هزار درهم نقره‌ی سکه‌دار (هر درهمی ۱۲/۶ نخود) و تعیین یکی از آنها با قاتل است.

ولی دم می‌تواند به کمتر از آنچه ذکر شد، دیه بگیرد؛ چنان که می‌تواند هیچ نگیرد و قاتل را عفو کند و در هر صورت، کفّاره‌ی قتل عمد بر قاتل

واجب است؛ یعنی باید یک بنده آزاد کند و شصت روز متوالیاً روزه بگیرد و شصت فقیر را اطعام کند.

و اگر قتل خطایی یا شبه عمد بوده، ولی دم حق قصاص ندارد و تنها حق گرفتن دیه را دارد و کفاره‌ی آن یکی از سه چیز است: بنده آزاد کردن؛ و اگر نشود شصت روز روزه متوالیاً بگیرد و اگر نتواند، شصت مسکین را اطعام کند. و اما جنایت به اعضای بدن، آن هم سه قسم عمد و شبه عمد و خطاء محض. اگر جنایت عمدی بوده، آن که بر او جنایت شده، مخیر است بین قصاص یا گرفتن دیه یا عفو کند و اگر شبه عمد یا خطا بوده، قصاص نمی‌تواند کرد. تنها حق گرفتن دیه دارد و تعیین مقدار دیه‌ی هر عضوی به تفصیل در کنار دیات از فقه ذکر شده است.

ناگفته نماند در بزرگی گناه قتل نفس، فرقی نیست بین این که قاتل، یک نفر باشد یا چند نفر شرکت داشته باشند؛ که برای هر یک، گناه قتل نفس است. چنان که فرق بین سبب و مباشر نیست؛ یعنی اگر کسی دیگری را وادارد به کشتن مسلمانی کند، گناه قتل نفس برای هر دو است و اگر دیگری را مجبور کند یا بگوید «اگر او را نکشتی، خودت را می‌کشم»، باز حلال نمی‌شود کشتن آن مسلمان و نمی‌تواند اقدام به قتل او نماید و ولی دم، حق قصاص یا گرفتن دیه از مباشر قتل دارد و سبب و آمر را باید حبس ابدی نمایند.

